

## جنبش دانشجویی هدف کنونی طرح سرکوب

## قلب گلشیری از تپش افتاد

### حسن آبکناری

اشیاء و انسان از منظر یک داستان نویس پیشرو معاصر، امری نیست که مرگ با چنگال سردش بتواند او را از تاریخ فرهنگ و ادب معاصر با بریابد.

گلشیری با نوآوری خلاقش در داستان نو، در پرداخت و بیان اعماق لحظه‌های در گذر، در کندوکاو در هزارتوی انسان - انسان نه بطور کلی - یک انسان، یک زن، یک مرد؛ داستان نویسی معاصر ایران را با گام‌های جدی به پیش برد.

در این یادداشت مجال نگاهی به کمال در این باره نیست. اما مجال آن هست که سخت‌کوشی و شیفنگی گلشیری را در پاسداری از آزادی، بویژه مقابله با سانسور و تقیض عقاید و تن در ندادن به خودسانسوری، پاس داریم.

می‌توان با او بر سر این موضوع یا آن موضوع موافق بود یا مخالف. اما نمی‌توان در آزادی خواهی او تردید کرد و از نقشی که او در نگاه تازه و طرحی نو در عرصه داستان نویسی معاصر داشت، چشم پوشید. نمی‌توان از جسارت او در مقابله با اختناق و آزادی‌کشی سخن گفت و نمی‌توان پیگیری و جان سختی او را در مبارزه‌ی آزادی خواهانه‌اش برای پاسداری از آزادی بی‌حصر و استثناء بیان و قلم به فراموشی سپرد.

آثار گلشیری و مبارزه آزادی خواهانه او را نمی‌توان پاک کرد. حافظه‌ی تاریخی مردم ایران، هرگز داستان خود را فراموش نخواهد کرد. هم چنان که دشمنان خود را، یاد او گرامی باد!

مرگ ناپنگام هوشنگ گلشیری نویسنده بزرگ معاصر، منتقد، آموزگار سخت‌کوش و آزادی‌خواه، همه دوستان مردم، روشن‌فکران، آزادی‌خواهان و جامعه‌ی اهل قلم را اندوهگین کرده است.

مردی که بیش از چهل سال قلم زد و قلم را به مرد نفروخت و در مقابل اختناق سکوت نکرد و برای آزادی بیان و قلم جنگید. هوشنگ گلشیری با هر دید و نگاهی که به جهان معاصر داشت، ذره‌ای در مقابل سانسور و سانسورگران و تحمیل‌کنندگان خودسانسوری و دستگاه آزادی‌کُش شیخ و شاه کوتاه نیامد و علیه آن‌ها مبارزه کرد. او یکی از سازماندهندگان ده شب شعر انستیتو کوتاه در آستانه انقلاب بود که در اعتراض به اختناق نظام شاهی بر پا شده بود. نقش تعیین‌کننده‌ی هوشنگ گلشیری در تجدید حیات کانون نویسندگان ایران نیاز به اثبات ندارد. او در کنار زنده‌یادان محمدمختاری و محمدجعفرپوینده و سایر یاران گانونی خود توانست علیرغم میل حکومت کانون نویسندگان را چون نهادی لایک و غیرخودی در نظام مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه تا اندازه‌ای تثبیت کند. اگر چه این تثبیت به قیمت خون‌ریزی فرزندان فریخته ایران تمام شد. او به عنوان یکی از مؤثرترین گوشه‌نگاران تدوین بیان‌نامه «ما نویسنده‌ایم»، پیگیری و اعتقاد خود را در استقلال کانون نویسندگان تثبیت نمود.

بی‌گمان تأثیر نویسنده «شازده احتجاب» بر داستان نویسی معاصر ایران و جلو بردن کیفی آن در عرصه‌های تکنیکی، زبان، اثر، و نحوه‌ی نگاه به جهان و

### سارامحمود

گزارشات و اخبار محدودی که از درون فضای مسدود اطلاعاتی به بیرون درز می‌کند، نشان می‌دهد مقامات رژیم و وزارت اطلاعات طرح سرکوب جنبش دانشجویی را با جدیت تعقیب می‌کنند. نخستین بازداشت‌ها یعنی دستگیری زارع‌زاده، عضو اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و کاشی‌لو، دبیر سازمان دانش‌آموزی پیشگامان آزادی، در هفته گذشته با بازداشت محمود شوشتری دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و کورش صحتی از فعالین امور دانشجویی و احضار سعیدالله‌بداشتی دانشجوی دانشگاه مظاهر اسلامی، امین‌زاده و فرخزاده دانشجویان دانشگاه شهید رجایی پی‌گیری شد. هم‌چنین خبر می‌رسد علی‌افشاری عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت بخاطر اطلاعیه‌های شورای متحصنین کوی دانشگاه از زندان به دادگاه احضار شده است. اخبار دیگری حاکی است که وزارت اطلاعات لیست ۱۴ نفر از فعالین جبهه متحد دانشجویی را جهت جلب تهیه کرده است که تاکنون جاوید وندی عضو شورای مرکزی اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش‌آموخته‌گان، دکتر حمیرا علیزاده بهبهانی دبیر سازمان دانشجویان مدافع آزادی و عضو جبهه متحد دانشجویی، محمود بردبار از کارکنان اتحادیه اسلامی دانشجویان، سپیده پورآقایی عضو دیگر این اتحادیه به دادگاه احضار شده‌اند.

دستگیری و شکار فعالین دانشجویی تنها یک اقدام انتقامی در پی تظاهرات چهارم خرداد نیست، و حتی فقط به قصد پیش‌گیری از تظاهرات و مراسم ۱۸ تیر که انتظار برگزاری آن توسط دانشجویان می‌رود، نیز محدود نمی‌شود، بلکه بخشی از طرح تهاجم همه‌جانبه جناح حاکم برای سرکوب و بازگرداندن اوضاع به شرایط قبل از دوم خرداد ۷۶ است که به مدد سکوت و سازش‌کاری جناح اصلاح‌طلب، پیش‌برده می‌شود. بعد از بستن مطبوعات غیروابسته به جناح حاکم و دستگیری و به‌زندان انداختن فعالین تندروتر جناح اصلاح‌طلب، آن‌ها اکنون تلاشی تشکلی‌های دانشجویی را پی گرفته‌اند. آن‌ها که قبلاً بعلت توازن قوای حاصل از حرکت

بقیه در صفحه ۲

## رابطه ایران و ترکیه و تحولات تازه آن

محمد آزادگر در صفحه ۳

## نظارات گسترده زنان در مرکز شهر کلن در آلمان

در صفحه ۴

## گزارش از آکسیون اعتراضی در گوتنبرگ

در صفحه ۴

### «راه‌کارگر الکترونیکی»

## صفحه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر) با شکل و محتوای جدید!

شامل اطلاعاتها و اعلامیه‌های سازمان، تک‌برگی راه‌کارگر، نشریه راه‌کارگر، مقالات و تحلیل‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اخبار و روی‌داذهای سیاسی روز و هفته، گزارشات آکسیون‌ها، طنز، شبکه ارتباطی با سایر سایت‌های ایرانی.

از صفحه سازمان انقلابی کارگران ایران (راه‌کارگر) در اینسترنیت دیدن کنید

## دنباله از صفحه ۱ جنبش دانشجویی هدف ...

اعتراضی مردم علیه ولایت فقیه در دوم خرداد، برای سرکوب جنبش دانشجویی خود را ناگزیر می‌دیدند به شیوه‌های فاشیستی و بسیج اوباش انصار حزب‌الله و تهاجم به دانشجویان به شیوه ۱۸ تیر متوسل شوند، اکنون شرایط را مناسب می‌بینند که به روش‌های معمول دیکتاتوری‌ها برای سرکوب دانشجویان روی آورند، یعنی به دستگیری فعالین جنبش و انهدام تشکلات از طریق ممنوعیت‌ها و اعمال مجازات‌ها. تعطیل مطبوعات، به زندان انداختن آن دسته از اصلاح طلبان که زبان سرخ داشتند، دستگیری و زندانی کردن فعالین اجتماعی مثل مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی. در یک کلام، گسترش جو خفقان و ارباب، شرایط را برای این شیوه سرکوب آماده کرده است و هرچه اوضاع بر این منوال پیش رود، مستبدان حاکم نیز در این شیوه جلوتر خواهند رفت و بر منع و قدغن‌ها افزوده، مجازات‌ها را تشدید کرده و دستگیری‌ها را خواهند افزود تا تشکلات علنی را متلاشی کرده و تنها انجمن‌های مطیع و مزدور را باقی گذارند و برای جنبش دانشجویی تنها امکانات زیرزمینی برجای بماند.

بنابراین جنبش دانشجویی اکنون در یکی از لحظات حساس حرکت خود قرار دارد. قبل از هر چیز باید بتواند بدون آن‌که تسلیم شود، امکان فعالیت علنی و اعتراض علنی و تشکلات علنی را بازنگه دارد و راه پیشروی حاکمیت برای تلاشی آن‌را ببندد. درست است که در شرایط دیکتاتوری گریزی از سازماندهی زیرزمینی نیست و در حال آن‌دسته از فعالین دانشجویان که پی‌گیر در راه آزادی، و حتی برای تأمین حقوق صنفی خود مبارزه می‌کنند، ناگزیرند دور از چشم مأموران امنیتی، ارتباطات و فعالیت را سازمان دهند، اما فعالیت و تشکلات علنی چه در ارتباط مستقیم با سازماندهی مخفی باشد و چه به موازات آن و بی‌ارتباط مستقیم با آن شکل بگیرد، بهترین راه گسترده کردن دامنه فعالیت و جلب و جذب توده وسیع دانشجوی و فراتر از آن، مردم است.

در مرحله کنونی تنها راه نجات تشکلات علنی شکل‌گرفته و فعالیت و اعتراض علنی، تشدید تحرک و گسترش خود فعالیت علنی‌ست. راه پیشروی رژیم را باید با اعتراض گسترده به اقدامات سرکوب‌گرانه بست. درخواست آزادی دانشجویان دستگیر شده و اعتراض گسترده به روند دستگیری‌ها، پیگیری پرونده تهاجم به کوی دانشگاه و درخواست مجازات آمرین و عاملین آن، آزادی مطبوعات و آزادی زندانیان سیاسی، مطالباتی‌ست که به هیچ بهانه‌ای نباید به تعویق انداخته شود. جلوگیری از در قرنطینه قراردادن جنبش

دانشجویی نیازی است که در این لحظات اهمیت ویژه پیدا کرده است. مردم در تظاهرات ۴ خرداد ۷۹ با درهم شکستن حصار مأموران و پیوستن به دانشجویان در داخل دانشگاه نشان دادند با چه اشتیاقی از این جنبش حمایت می‌کنند و امیدها و انتظارات بزرگ از آن دارند و همین امر است که بیش از همه ترس و خشم رژیم را برمی‌انگیزد. اما استمداد از نیروی مردم نباید به حوادث خودبخودی و جلب حمایت عاطفی آن‌ها محدود شود، بلکه باید برای پیوند با نیروی مردم تاکتیک و برنامه مشخصی را بطور دقیق و پی‌گیر تعقیب کرد. تظاهرات جوانان و مردم در مشهد و حوادث کوی خزانه در هفته گذشته نشان داد که آمادگی مردم برای مبارزه تا چه حد بالاست. در این شرایط ایجاد پیوندها و هماهنگی‌ها، به نحوی که جنبش‌ها را زیر ضرب نبرد، بلکه امکان تمرکز رژیم روی یک کانون مبارزه را تضعیف کند، کار دشواری نیست.

آن اصلاح طلبانی که دانشجویان و مردم را به آرامش دعوت می‌کردند تا بهانه بدست جناح حاکم نیفتد و مجلس ششم به کار خود مشغول باشد، براین حقیقت پرده می‌اندازند که جناح حاکم بر سر کرسی‌های مجلس جنگید، زیرا این کار را برای سرکوب آزادی و جلوگیری از پیشروی مردم لازم می‌دید. بعبارت دیگر، مجلس و جنگ بر سر کرسی‌های آن، برای جناح حاکم ابزار بود نه هدف، اگر در این جنگ چیزهایی را از دست داد، چیزهایی را بدست آورد، از جمله سرکوب مطبوعات و به پیش‌راندن فضای خفقان و گسترش دستگیری‌ها. و آن‌چه برای جناح حاکم مهم بود این بود که تسلیم و توافق جناح راست دوم خردادی‌ها را برای پیش‌برد این سیاست‌ها بدست آورد.

اگر قرار باشد مجلس ششم باز باشد اما مطبوعات بسته، جریان اطلاعات مسدود و فعالین اجتماعی در زندان، و رژیم بتواند بدون مقاومت، به طرف تلاشی دستاوردهای جنبش دانشجویی و تشکلات علنی آن پیش‌برد، دیگر جناح حاکم چه ترسی از مجلس ششم دارد؟ آیا دعوت‌های رفسنجانی و جمعیت مؤتلفه اسلامی به وحدت و وعده حمایت از دولت و مجلس بیهوده است. حالا که عمامه بر سر مجلس نشسته است، می‌توان اهداف یورش را بدون نگرانی از دعوای جدی جناح‌ها، پیش‌برد. هرچند که حتی بدون آن عمامه هم، مجلس سرانجام، بن بست قانون برای پیش‌برد اصلاحات را به نمایش می‌گذارد، اما این عمامه به هر حال تضمینی‌ست برای جلوگیری از کش و قوس‌ها تا رسیدن به بن‌بست.

جنبش دانشجویی اکنون باید بر پای خود بایستد و به مردم تکیه کند، این راه اگرچه سربالایی‌ست، اما مطمئن است.

## جمهوری اسلامی ایران

## کارشکنی در امر پیش‌برد مسائل زنان در

## سطح بین‌المللی

به ابتکار سازمان ملل متحد کنفراسی با عنوان "زن در سال ۲۰۰۰" برگزار شده است تا پس از سپری شدن ۵ سال نتایج حاصل از تصویب "پلاتفرم اقدام" مصوب چهارمین کنفراس جهانی زنان در یکن در سال ۱۹۹۵ را، بررسی کند. رئیس "سازمان عفو بین‌المللی" در سخنرانی خود در این کنفراس اعلام کرد پنج کشور جهان مسئول کارشکنی در امر پیش‌برد "پلاتفرم اقدام" مصوب کنفراس یکن برای رفع تبعیض علیه زنان هستند. این کشورها عبارتند از پاکستان، ایران، لیبی، الجزایر و واتیکان.

او گفت که در نشست‌های مقدماتی این کنفراس کشورهای مزبور با تشکیل یک اتحاد نامقدس اساسی‌ترین دست‌آورد کنفراس یکن که حقوق زنان را هم چون حقوق بشر و یکی از ارکان آن ارزیابی کرد به مبارزه طلبیده و تلاش کردند که هر نوع رجوع به حقوق زنان به مثابه حقوق بشر از سند نهائی این کنفراس حذف شود. تلاش این کشورها در مغایرت کامل با مصوبات کنفراس یکن و نیز مصوبه اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد حقوق زنان قرار دارد که در مجمع عمومی به اتفاق آراء به تصویب رسید. تلاش کشورهای مزبور این است تا از تعهد خود به حقوق زنان در زندگی اجتماعی و خصوصی به مثابه یکی از ارکان حقوق بشر سرباز زنند. رژیم جمهوری اسلامی ایران نه فقط از طریق برقراری نظام آپارتاید جنسی، زنان ایران را به شهروندان درجه دوم تبدیل ساخته است، بلکه همراه با واتیکان در مجامع بین‌المللی از ارکان اصلی کارشکنی در پیش‌برد حقوق زنان در سطح بین‌المللی است. موضع و عمل کرد رژیم اسلامی در تبیین کامل با خواست و مبارزه جاری زنان ایران برای رهائی از قیدوندن آپارتاید جنسی، امحاء همه تبعیضات و برابری کامل زنان با مردان در همه عرصه‌ها قرار دارد. ما به عنوان بخشی از جنبش چپ ایران در همراهی کامل با جنبش مستقل زنان کشور، خود را متعهد به کار و پیکار علیه هر نوع تبعیض جنسی و همه عواقب و آثار پدرسالاری و مردسالاری می‌دانیم!

## تهدید به مرگ داود نعمتی ناشر مقیم

## آلمان

یک ناشر ایرانی بنام داود نعمتی مسئول انتشارات نیما در شهر آلمان که کتاب آیه‌های شیطانی را به چاپ رسانده است بوسیله عوامل وابسته به رژیم جمهوری اسلامی ایران تهدید به مرگ شد. هفته‌نامه "جهه" که در تهران منتشر می‌شود و یکی از سخنگویان وابسته به دستجات ترور است نوشت که فتوای قتل داود نعمتی بخاطر چاپ کتاب آیه‌های شیطانی صادر شده است. تاکنون علیه تعدادی از مترجمین و ناشرین کتاب آیات شیطانی در نقاط مختلف دنیا سوءقصد هائی بوسیله گروه‌های ترور وابسته به رژیم جمهوری اسلامی ایران به اجراء نهاده شده است. مقامات آلمانی تهدید به قتل نعمتی را جدی گرفته‌اند بهمین خاطر نامبرده اکنون تحت مراقبت‌های ویژه قرار دارد.

# رابطه ایران و ترکیه و تحولات تازه آن

محمد آزادگر

داشت که دولت و رئیس‌جمهور ترکیه پنهان نمی‌کنند که قصدشان از این "سیاست اقتناعی" تقویت جناح اصلاح طلب و سید محمد خاتمی است. خاتمی نیز این سیاست "اقتناعی" دولت ترکیه را بی‌پاسخ نگذاشته و روز دوشنبه ۱۶ خرداد ۷۹ محمد حسین عادل‌ی معاون وزیر امور خارجه ایران را همراه با پیام کتبی به احمد نجات سزر رئیس‌جمهور ترکیه برای شرکت در اجلاس اکو در تهران، به آنکارا روانه کرد. به گزارش ایرنا، محمد حسین عادل‌ی گفته است: «ما انتظار داریم که ترکیه در اجلاس اکو در تهران در بالاترین سطح شرکت کند». بر اساس گزارش یاد شده، معاون امور خارجه ایران از ترکیه بعنوان مؤسس و بنیانگذار "اکو" یاد کرده و اهمیت حضور فعال این کشور را در اجلاس تهران، مورد تأکید قرار داده است.

اما افکارعمومی ترکیه، رسانه‌ها و مطبوعات مترقی این کشور با "سیاست اقتناعی" و هم‌چنین شرکت احمد سزر در اجلاس اکو بشدت مخالفت کردند و خواهان آن شدند که دولت ترکیه با رژیم اسلامی برخورد جدی کرده و از افشاء تروریسم دولتی رژیم ایران کوتاه نیاید. بر اثر فشار افکارعمومی ترکیه و محافل بین المللی مخالف تروریسم، وزارت خارجه ترکیه چهارشنبه هفت ژوئن اعلام کرد که رئیس‌جمهور ترکیه نجات سزر در اجلاس اکو شرکت نخواهد کرد. و این اجلاس بدون حضور رئیس‌جمهوری ترکیه به کار خود در تهران پایان داد.

علنی شدن اعترافات احمد بهبهانی و آشکار شدن دامنه هم‌کاری رژیم اسلامی با تروریست‌های بنیادگرای اسلامی "سیاست اقتناعی" دولت ترکیه را با مشکلات جدی مواجه ساخته است. قاعداً اتخاذ هر سیاستی از جانب دولت ترکیه در قبال ایران، متأثر از نظر و رأی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آمریکا نیز خواهد بود.

شبكة تلویزیونی «سی.بی.اس»، فرار بهبهانی از ایران به ترکیه و تقاضای پناهندگی وی از آمریکا و هم‌چنین اعترافات وی را سرّی نگه داشته بود، مجبور می‌شود طی بیانیه‌ای فرار وی از ایران و حضورش در ترکیه را تأیید کند. البته پلیس و سازمان امنیت ترکیه براساس اعترافات وی، در طول یک‌ماه گذشته اقدامات گسترده‌ای در زمینه کشف و نابودی گروه‌های بنیادگرای اسلامی تروریست انجام داده‌اند. بی‌سبب نبود که جمهوری اسلامی در مقابل ادعای ترکیه مبنی بر دست داشتن رژیم اسلامی در ترورهای انجام گرفته در خاک ترکیه، سکوت اختیار کرده بود.

احمد بهبهانی در اعترافات خود از ترورهایی که توسط رژیم اسلامی در کشورهای مختلف انجام گرفته، پرده برداشته و جمهوری اسلامی را در وضعیت بدی قرار داده است. بطوریکه علی یونس، وزیر اطلاعات ایران مجبور شد عصر دوشنبه ۱۶ خرداد - ۵ ژوئن در گفتگو با ایرنا، وابستگی بهبهانی به این وزرات‌خانه را تکذیب کند. وی در عین حال گفت که اگر وجود چنین فردی واقعیت داشته باشد، ممکن است به دلیل جرایم اقتصادی، بدهکاری و ورشکستگی و مشکلات مشابه از ایران خارج شده باشد. در هشتم ژوئن - ۱۹ خرداد وزارت اطلاعات ایران طی اطلاعیه‌ای بهبهانی را سارق مسلح، منافق (مجاهد) و جاسوس عراق معرفی کرد که از سال ۷۱ - ۷۷ در عراق آموزش‌های مختلف جاسوسی دیده و سال ۷۷ بعنوان یک زندانی ایرانی تحویل جمهوری اسلامی شده است؟! و پس از روشن شدن همه این داستان‌ها به ۱۰ سال زندان محکوم گردیده که با استفاده از مرخصی موقت از زندان خارج و به ترکیه گریخته است.

البته این نوع اظهارات و سناریوسازی‌ها تازگی ندارد و جمهوری اسلامی پیوسته خواسته است که با این شگردها، سم و زهر افشاکری‌های مأموران سابق خود را که به خارج فرار می‌کنند، کاهش دهد. این سیاست سکوت و تلاش‌های دیپلماتیک و سرّی جمهوری اسلامی تاحدی موفق بوده، تا آن‌جا که شورای امنیت ملی ترکیه که اخیراً برای نخستین بار به منظور بررسی خطوط اصلی سیاست ترکیه در قبال جمهوری اسلامی، با حضور «احمد نجات سزر» رئیس‌جمهور این کشور تشکیل جلسه داد، پیشنهاد کرد که بهتر است ترکیه در قبال ایران سیاست «اقتناعی» در پیش گیرد. شاید نتیجه همین «سیاست اقتناعی» است که سازمان امنیت ترکیه اعترافات احمد بهبهانی را کمی «مبالغه آمیز» توصیف می‌کند. در ضمن نباید از نظر دور

با اعترافات احمد بهبهانی، موضوع عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور، در صدر اخبار جهان قرار گرفت. احمد بهبهانی که خود را یکی از مأموران بلندپایه سازمان اطلاعات رژیم معرفی کرده است، از نزدیکان هاشمی رفسنجانی است. وی بنا به اعتراف خود به مدت ده سال یکی از مسئولین ترورهای خارج از کشور بوده است. بهبهانی ۴ ماه پیش از ایران فرار کرده و به ترکیه پناهنده شده است. براساس گزارشات روزنامه‌های ترکیه و سازمان امنیت این کشور (میت)، وی به مدت ۲۰ روز توسط "میت" بازجویی شده است. بدنبال اطلاعات و سرخ‌هایی که احمد بهبهانی می‌دهد، سلسله عملیاتی در اوایل ماه مه علیه گروه‌های بنیادگرای اسلامی در ترکیه انجام می‌گیرد. طی بازجویی‌ها و اعترافات بازداشت‌شدگان حزب الهی و اسناد و مدارک بدست آمده، و هم‌چنین اعترافات احمد بهبهانی، معلوم می‌شود که در ترورهای روشن‌فکران لائیک و مترقی ترکیه و ده‌ها ترور و آدم‌ربایی دیگر از جمله ترور مخالفین رژیم اسلامی، جمهوری اسلامی بطور مستقیم دست داشته است. (گزارش مشروح این امر در تک‌برگی شماره ۷۴ آمده است)

هنوز بازجویی‌های سازمان امنیت ترکیه از بهبهانی تمام نشده بود که "سیا"ی آمریکا یک اکیپ از مأموران خیره خود را برای بازجویی و تطبیق صحت اعترافات بهبهانی با آرشیو اسناد و مدارک این سازمان، به ترکیه می‌فرستد. در پی بازجویی‌های بعمل آمده از سوی مأموران «سیا» روشن می‌شود که بمب‌گذاری در هواپیمای پان‌آمریکن در سال ۱۹۸۸ که به کشته شدن ۲۷۰ نفر منجر شد، کار دولت لیبی نبوده است، بلکه دستور بمب‌گذاری از تهران صادر شده بود و دو لیبیایی تنها در گذاشتن بمب دست داشته‌اند.

شبكة تلویزیونی آمریکایی سی. بی. اس در گزارشی از دخالت ایران در انفجار هواپیمای پان‌آمریکن بر فراز "لاکربی" اسکاتلند پرده برداشت. تلویزیون سی. بی. اس آمریکا با احمد بهبهانی در مخفیگاهی که سازمان امنیت ترکیه در اختیار وی گذاشته است، ملاقات می‌کند و گزارشی برای برنامه "۶۰ دقیقه" این شبکه تهیه می‌کند. در این برنامه احمد بهبهانی اعترافات می‌کند که صحت و درستی این اعترافات توسط کارشناسان مسائل ایران تأیید شده است.

سازمان امنیت ترکیه که تا پخش گزارش

کمک‌های مالی رسیده	
م-۳۱۱-	۲۷۰ مارک
میترا	۲۰ مارک

## تظاهرات گسترده زنان در مرکز شهر کلن در آلمان

روز شنبه ۲۱ خرداد ۷۹- ۱۰ ژوئن ۲۰۰۰ به دعوت هفت تشکل زنان از شهرهای مختلف آلمان تظاهرات گسترده‌ای در مرکز شهر کلن در مقابل کلیسای معروف دُم برگزار گردید. این تظاهرات که با استقبال گسترده آلمانی‌ها و دیگر ملیتهای ساکن کلن روبرو شد در اعتراض به دستگیری‌های اخیر بویژه دستگیری مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی، از چهره‌های سرشناس جنبش زنان در داخل کشور، صورت گرفت. انجمن زنان ایرانی آلمانی-کلن، پرتو- گروه زنان ایرانی در نوردراین وستفالن، تشکل مستقل دموکراتیک زنان ایرانی-هانوفر، تشکل مستقل زنان ایرانی مونستر، جنبش مستقل زنان ایرانی فرانکفورت گروهی از زنان ایرانی در بیلفلد و همایش زنان ایرانی هانوفر برگزارکنندگان این تظاهرات بودند. تظاهرکنندگان با دادن شعارهایی بزبان فارسی و آلمانی خواهان استقرار دمکراسی در ایران و آزادی زندانیان بویژه مهرانگیزکار و شهلا لاهیجی شدند. در طول تظاهرات گوشه‌هایی از سخنرانی خانم‌ها مهرانگیزکار و شهلا لاهیجی در کنفرانس برلین پخش گردید که بویژه ترجمه آلمانی آن‌ها مورد استقبال شدید آلمانی‌های شرکت کننده قرار گرفت. در قطعنامه پایانی این تظاهرات از جمله آمده است: «بدنبال توقیف مطبوعات و دستگیری برخی از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین توسط دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی ایران، مهرانگیزکار و شهلا لاهیجی از ۲۹ آپریل بازداشت شده‌اند. این دو زن، سال‌هاست که برای حقوق زنان در ایران مبارزه می‌کنند. مبارزه آنان در متن مبارزاتی صورت می‌گیرد که طی ۲۱ سال گذشته از جانب زنان ایران برای بدست آوردن حقوق‌شان به پیش برده شده است.» در پایان قطعنامه تاکید می‌شود: «مبارزه این دو زن، مبارزه فرهنگی علیه مردسالاری و در جهت رشد آگاهی اجتماعی است. چنین مبارزه‌ای را نمی‌توان با اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» سرکوب کرد. ما همه زنان و مردان آزاده، همه سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی را به اعتراض علیه این دستگیری‌ها دعوت می‌کنیم.»

تظاهرکنندگان خواسته‌های خود را به شرح زیر اعلام کردند:

آزادی بدون قید و شرط مهرانگیزکار، شهلا لاهیجی و سایر دستگیرشدگان؛

آزادی بدون قید و شرط بیان و مطبوعات لغو تمامی قوانینی که زن را مورد تحقیر، سرکوب و تجاوز قرار می‌دهد.

از سوی برگزارکنندگان تظاهرات نامه‌ای خطاب به خانم رابینسون مسئول کمیسیون حقوق بشر در سازمان ملل متحد تهیه شده بود که در آن امضاکنندگان ضمن اعتراض به دستگیری‌های اخیر خواستار آزادی بدون قید و شرط مهرانگیزکار و شهلا لاهیجی بودند. در طول تظاهرات بیش از چهارصد امضا در پشتیبانی از این خواسته جمع آوری گردید.

بخش بزرگ شرکت کنندگان این تظاهرات را زنان تشکیل می‌دادند که نشان موفقیت تشکل‌های برگزار کننده و حاکی از میزان بالای حساسیت زنان نسبت به جنبش زنان در ایران است.

## «گزارش از آکسیون اعتراضی در گوتنبرگ»

بدعوت «کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - گوتنبرگ (سوئد)»، «آکسیون اعتراضی شنبه‌ها»، این هفته نیز روز شنبه انجام پذیرفت. «آکسیونهای اعتراضی شنبه‌ها»، علیه توقیف روزنامه‌ها، علیه بازداشت روزنامه‌نگاران و نویسندگان، علیه زندان و در دفاع از آزادی‌های بی‌قید و شرط بیان، قلم، اجتماعات و در دفاع از جنبش دانشجویان ایران، از هفته گذشته آغاز شد و بمنظور انعکاس هرچه گسترده‌تر وقایع ایران در میان افکار عمومی سوئد، قرار است هر هفته در یکی از محلات شهر برگزار شود.

در جریان آکسیون این هفته شعارهایی در دفاع بی‌قید و شرط از جان تمامی زندانیان در بند، فعالین سیاسی عقیدتی، همچون امیرانتظام، رهبران حزب ملت ایران، کدیور، نوری، محمدی، باطبی، شمس‌الواعظین، باقی، شرکت کنندگان در کنفرانس برلین مهرانگیزکار، شهلا لاهیجی، اکبر گنجی، و علی‌رضا افشاری، فعالین دانشجویی، یهودیان در بند، و همچنین، جاوید تهرانی و اردشیر زارع دبیر کانون دانشجویان دفاع از زندانیان سیاسی و کاشی‌لو که در طول هفته گذشته دستگیر شده‌اند، همه و همه از جانب اجتماع کنندگان بر زبان رانده شد.

نخستین سخنرانان سوئدی این حرکت اعتراضی خانم «دانیلا آل مونگر»، دبیراول اتحادیه سراسری دانشجویان دانشگاه گوتنبرگ بود. او با برشمردن مفاد، ۳، ۵، ۲۱، ۲۴، و ۲۶ منشور جهانی حقوق بشر در دفاع از جان انسان‌ها و حقوق برابر شهروندی، رژیم اسلامی ایران را بدلیل نادیده گرفتن این اصول شدیداً محکوم کرد و خواستار آزادی دستگیرشدگان وقایع اخیر، بویژه شهلا لاهیجی و مهرانگیزکار، شد.

سخنران دیگر حرکت روز شنبه، خانم «لیسا آل کویت» دبیراول اتحادیه دانشجویان چپ دانشگاه گوتنبرگ بود. او ضمن برشمردن اخبار ایران و تاریخچه جنبش دانشجویی، به اعتراضات سال گذشته در دانشگاه‌های ایران و سرکوب خونین آن اشاره کرد. وی همچنین اظهار داشت که دانشجویان سوئد می‌بایست در عمل و نظر با جنبش دانشجویی ایران اعلام همبستگی کنند و از آن‌هایی که با پشتکار و مبارزه، به دفاع از دمکراسی و آزادی در ایران برخاسته‌اند و هر روز با خطر دستگیری، شکنجه و زندان دسته‌وپنجه نرم می‌کنند، اعلام حمایت نمایند.

«لیسا آل کویت» در ادامه سخنانش گفت: «۲۱ سال پیش نیز دانشجویان در کنار مردم ایران و به همراه آن‌ها، برای بدست آوردن دمکراسی و آزادی، سلطنت را برانداختند، ولی متأسفانه شکل سرکوب با نوع دیگری از دیکتاتوری عوض شد و چیزی عاید مردم و دانشجویان نشد. دفاتر آنها بسته شد، دانشگاه‌ها تعطیل گردید، استادان مترقی و چپ اخراج شدند و بدین ترتیب این مبارزه از آن روز تا بحال، بشکل نابرابری همچنان ادامه دارد.» وی ضمن اعلام پشتیبانی از خواست‌های کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران، گفت که دولت سوئد، اتحادیه اروپا و سازمان ملل می‌بایست با قاطعیت از خواسته‌های دانشجویان و مردم ایران دفاع کنند.

«لیسا آل کویت»، دبیراول اتحادیه دانشجویان چپ دانشگاه گوتنبرگ، سخنان خود را با اعلام خواست‌ها زیر و در میان کف‌زدن‌های پرشور حاضرین، به پایان برد:

\* دولت سوئد باید با صراحت سرکوب جنبش آزادیخواهی در ایران را محکوم کند.

\* احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای دانشجویی و غیره باید از خواسته‌های زیرکه عمدتاً مفاد قطع‌نامه کمیته همبستگی ست، حمایت نمایند:

۱- آزادی بی‌قید و شرط بیان، اندیشه و اجتماعات در ایران.  
۲- آزادی بی‌قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی.  
۳- لغو سانسور بر نشریات و کتب در ایران.

۴- امکان بازدید از زندانها و مراکز تجمع دانشجویان برای نمایندگان سازمانهای بین‌المللی در ایران فراهم گردد.

«آکسیون اعتراضی شنبه‌ها» با خواست آزادی زندانیان سیاسی، رفع توقیف مطبوعات، آزادی اجتماعات و در دفاع از جنبش دانشجویی، تا اطلاع ثانوی، هر شنبه، در محلات مختلف شهر گوتنبرگ سوئد، ادامه خواهد یافت.